

ای کریم انشاء الله بعنایت کریم در ظلّ سدره ربّ العالمین مستریح باشی ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۲۰۰

ش

جناب کریم علیه بهاء الله

بنام خداوند یگنا

ای کریم انشاء الله بعنایت کریم در ظلّ سدره ربّ العالمین مستریح باشی و بفیوضات منزله از سماء فضل فائز ذکرت لدی العرش بوده و خواهد بود و این از اعظم عنایات الهیه محسوب ای کریم کمر خدمت را محکم کن که شاید نفوس ضعیفه از ذکر مالک بریه بکمال حب و قدرت قلبیه ظاهر شوند بشأنیکه دنیا و ما فیها آن نفوس را از حق منع ننماید کل باخلاق الهیه در این ایام نورانیّه ظاهر شوند

ای کریم باده روحانیّه معنویه آماده و ساقی احدیه موجود ولکن اکثر بریه ممنوع و محروم مشاهده میشوند حق بکمال ظهور ظاهر و خلق در نهایت اشتیاق مشتاق مع ذلک عشاق از معشوق محروم و در تیه فراق در احتراق لذا هادی و ناصح و معلّم لازم دارند تا بدانند که سبب منع چیست و علت بعد چه بعضی از عباد بتعلیم محتاج نیستند ایشان بمنزله عیون مشاهده میشوند و عین را دیدن نباید آموخت و همچنین گوش را شنیدن حینیکه باعانت روح مفتوح شد خود مشاهده مینماید ولکن در کلّ احیان باید بطلعه رحمن پناه برد که مباد رمد و یا علت اخری حادث شود و حایل گردد ایشانند عبادیکه بعد از ارتفاع ندا بافق اعلی توجّه نموده اند و بشأنی مستقیمند که احدی قادر بر انحراف آن نفوس مطمئنّه از شطر احدیه نیست از سلسبیل بیان رحمن در کلّ احیان نوشیده و مینوشند و بکلمات الهیه مأنوس و مشتاقند و ما دون این نفوس بمواعظ حسنه و نصایح مشفقانه محتاج لذا باید احبای الهی بحکمت و بیان بر این امر خطیر اقدام نمایند بعضی را باقوال و بعضی را بافعال و اعمال و بعضی را باخلاق تبلیغ نمایند و بشطر احدیه کشانند اعمال حسنه و اخلاق روحانیّه بنفسها مبلّغ امرند بعضی از این محزون نباشند که عالم نیستند و کسب علوم ظاهره ننموده اند ملاحظه در زمان رسول نما که بعد از ظهور آن نیر اعظم جمیع علما و ادبا و حکما از آن شریعه عرفان رحمن محروم ماندند و ابودر که راعی غم بود بجزّ اقبال بغنی متعال بحور حکمت و بیان از قلب و لسانش جاری و حال جمیع علما را نزد ذکرش خاضع مشاهده



ORIGINAL

مینمائی و حال آنکه در اول امر احدی باو اعتنا نداشته تعالی قدیم ذو الفضل العظیم آنه هو الحاکم علی ما اراد آنه هو المقتدر القدیر لذا هر یک از احبای الهی که باقی باقی فی الحقیقه اقبال نمود باو افاضه میشود آنچه سبب هدایت بریه باشد بگو ای احبای من شما اطبای معنوی بوده و هستید باید بحول و قوه الهیه بدریاق اسم اعظم امراض باطنیه اُمم و رمد عیون اهل عالم را مداوا نمائید و شفا بخشید تا کل بشاطی بحر اعظم در ایام مالک قدم توجّه نمایند لذا باید کل بمقیص امانت و رداء دیانت و شعار صدق و راستی ظاهر و باطن خود را مزین نمایند تا سبب علو امر و تربیت خلق گردد

این ظهور از برای اجرای حدودات ظاهره نیامده چنانچه در بیان از قلم رحمن جاری بلکه لاجل ظهورات کمالیه در انفس انسانیّه و ارتقاء ارواحهم الی المقامات الباقیه و ما یصدقه عقولهم ظاهر و مشرق شده تا آنکه کل فوق ملک و ملکوت مشی نمایند لعمری لو اخرج الحجاب فی هذا المقام لتطیرن الارواح الی ساحة ربک فالق الاصبح ولكن چون بحکمت امر نمودیم لذا بعضی از مقامات را مستور داشتیم تا جذب مختار زمام اختیار را اخذ ننماید و کل بآداب ظاهره ما بین بریه مشی نمایند و سبب هدایت ناس شوند بعضی عقول شاید که بعضی حدودات مذکوره در کتب الهیه را لاجل عدم اطلاع بر مصالح مکنونه در آن تصدیق ننمایند و لکن آنچه از قلم قدم در این ظهور اعظم در اجتماع و اتحاد و اخلاق و آداب و اشتغال بما ینتفع به الناس جاری شده احدی انکار ننموده و نمینماید مگر آنکه بالمره از عقل محروم باشد اگر احبای الهی بطراز امانت و صدق و راستی مزین نباشند ضرر بخود آن نفوس و جمیع ناس راجع اولاً آن نفوس ابداً محلّ امانت کلمه الهیه و اسرار مکنونه ربّانیه نخواهند شد و ثانی سبب ضلالت و اعراض ناس بوده و خواهند بود و عن ورآئهما قهر الله و غضبه و عذاب الله و سخطه

ای کریم ندای رحمانی را از قلم روحانی بلسان پارسی بشنو لعمری آنه یجذبک الی مقام لا تری فی الملک الا تجلیات هذا الامر الذی اشرق من افق الطاف ربک العظیم الحکیم اگر جمیع بریه حجاب مانعه را خرق نمایند و صریح قلم اعلی را که در بقعه نورا باذن مالک اسما مرتفعست اصفا کنند کل بجان بشطر رحمن توجّه نمایند قد منعتم اهوائهم و هم الیوم منصعقون ای کریم شمس کلمه الهیه که از مشرق اراده مشرق و طالع شد هر صاحب بصری ادراک آن مینماید و آن کلمه بمثابه شمس ظاهره روشن و مضيئ است ما بین کلمات عالین الیوم یومی نیست که قلم اعلی باین اذکار مشغول شود ینبغی لكل نفس فی هذا الیوم اذا سمع النداء من الافق الاعلی یدع الوری عن وراه یقوم بحول الله مقبلاً الی مولاه و یقول لییک یا محبوب من فی السموات و الارضین لسان رحمن در روضه بیان باین کلمه مبارکه ناطق میفرماید لا زال ذکر آن نیر اعظم لا اله الا انا ان یا خلقی ایای فاعبدون بوده و خواهد بود و آنچه در این مقامات از قلم مبدع اسما و صفات جاری شده نظر برحمت سابقه بوده که جمیع ممکنات را احاطه فرموده که شاید اهل امکان از کوثر حیوان که از یمین رحمت رحمن جاریست محروم نمانند آنه هو الغفور الرحیم بعد الذی کان غنیاً عن العالمین

بعضی از اهل فرقان و بیان که در عقبه وقوف و یا عقبه ارتیاب و امثال آن توقّف نموده اند این نظر بتوهمات است که از قبل ما بین قوم بوده بگو ای عباد امروز روزیست که باید خرق جمیع احجاب ثنائید و جمیع اوهام را محو کنید و بکمال اقبال بافق جمال قلباً توجّه نمائید چه که سبیل رجل بما اکتسبت ایدی الظالمین ممنوع شده و بامری جز بما ظهر من الظهور ناظر نباشید چه که ما بین ناس کلمات موهومه لا یغنیه بسیار و همان موهومات بعضی از اهل بیان را از نیر رحمن که از افق امکان طالع شده منع نموده و محروم ساخته و آن نفوس بغایت بی درایت و عقل مشاهده میشوند بگو ای گمگشتگان

وادی ضلالت کدام یک از موهومات محققه نزد شما صدق بوده و رایحه صدق از او استشمام نموده‌اید لا ونفسی الحق کلّها رجعت الی حقایقکم الموهومة و بقی الامر لله المهيمن القيوم

هزار سنه او ازید نفس موهومی را در شهر موهوم با جمعی از نسا و اولاد مقرر داده بودید و بآن اوهام معتکف تفکر نما که در آن الف سنه بچه متمسک بودند فوالذی انطقنی بالحق قلم شرم مینماید از ذکر آن نفوس موهومه محتجبه آنچه در ذکر آن نیر اعظم یعنی قائم ما بین آن قوم بوده حرفی از آن تحقق نداشته و عند الله مذکور نبوده چنانچه بعد از ظهور بر کل معلوم و مبرهن شد این یکی از موهومات آن نفوس بوده بعد از آنکه ید قدرت الهیه خرق حجاب نمود بعضی مطلع شدند و همچنین موهومات دیگر که ما بین آن قوم است و تا حال خرق نشده باید بهمان قسم مشاهده نمایند عسی الله ان یخرقها لمن یشاء صدر ممرّد و قلب منیر باید مقدساً عن کلّ الاشارات و الکلمات بشطر امر توجه نماید بگو الیوم یوم ریب و اریاب نیست ان اخرقوها بنار کلمه ربکم العزیز الوهاب

ای احبّای من آخر ببصر انصاف مشاهده نمائید این مظلوم در فم ثعبان و در جمیع احیان بلایائی بر او وارد که احدی غیر الله مطلع نه و نفسش را انفاق نموده که شاید از افق انقطاع طالع شوید تا ممالک ابداع و اختراع از شما روشن و منیر گردد قدر خود را بدانید و از اموراتیکه سبب تضییع امر شود ما بین ناس احتراز نمائید قل یا لیت عرفتم تموجات هذا البحر و ما ستر فیه من لثالی حکم ربکم العزیز الحمید

ای کریم اگرچه تغنیات قلم اعلی را انتها نه ولكن بلحن دیگر توجه نمودیم

سبحانک اللهم یا الهی اسئلك باسمک الذی به نزلت امطار رحمتک و ظهرت آیات قدرتک و طلعت شمس مشیتک و احاطت رحمتک من فی ارضک و سمائك بان تلبس الذینهم آمنوا اثواب الامانة و الانقطاع ثم اجذبهم الی مطلع الذی منه اشرقت شمس الامتناع لیظهر بهم تقدیس امرک بین عبادک و تنزیه احکامک فی مملکتک ای رب انت الغنی و هم الفقراء لا تأخذهم بما غفلوا فارحمهم ثم اغفر لهم لانهم حملوا الشداید فی سبیلک ان غفلوا عن بعض اوامرک ولكن سرعوا بقلوبهم و ارجلهم الیک لا تنظر الی خطیئاتهم فانظر الی انوار الّتی اشرقت من آفاق قلوبهم و بلایا الّتی وردت علیهم فی سبیلک ثم ایدهم بعد ذلک علی ما یرتفع به اعلام امرک فی بلادک و رایات عظمتک فی دیارک انک انت المقتدر علی ما تشاء فی قبضتک ملکوت الانشاء لا اله الا انت المتعالی المهيمن العلیّ العظیم

ای کریم وصایای الهیه را از برای هر نفسی ذکر نمائید و تلاوت کنید که شاید بما اراد الله عامل شوند ذکر من قبلی من معک من کلّ اناث و ذکور قل لک الحمد یا ربّی العزیز الغفور